

زنگ استقبال از ۸ مارس روز جهانی مبارزه برای رهایی زن چگونه به صدا در آمد؟

رفقا

همانگونه که رفقا مستضهرند در شبکه‌های اجتماعی از جمله توئیتر، اینستاگرام و فیس‌بوک بحث و مبارزه بین دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلف با جهت‌گیری‌های متفاوت طبقاتی درباره ۸ مارس روز جهانی زن و به یک معنای واقعی در برخورد به مسئله زن آغاز گشته است. این امر خوبی است که مبارزه حادی طبقاتی بین دیدگاه‌های مختلف درباره مسئله زن در آستانه روز جهانی زن، یکبار دیگر شروع شده است.

ریشه حادثه گشتن این مبارزه در عمیق‌تر شدن تضاد خاص بین زنان تحت ستم و استثمار با نظام سرمایه‌داری مستبد ضد زن و بحران سیاسی نشئت‌گرفته از تشدید فزاینده تضادهای اجتماعی موجود قرار دارد. همان‌طوری که خیزش فرودستان گرسنه نیز نتیجه حادثه شدن تضاد اساسیت که حاصل سوخت‌وساز نظام مالکیت خصوصی موجود و روابط اجتماعی، ایدئولوژی و فرهنگ حاکم از یک‌طرف و تولید مشترک توسط فرودستان مزدبگیر از طرف دیگر می‌باشد.

جنبش کمونیستی ایران بار دیگر به‌عنوان نماینده منافع درازمدت قشر تحتانی پرولتاریا در رسیدن به هدف نهایی مبارزه برای ایجاد جامعه جهانی کمونیستی که در آن از طبقه، استثمار فرد از فرد، ستم بر زن، دولت و جنگ خبری نباشد بر سر مسئله زن در یک آزمون تاریخی قرار دارد. مسئله‌ای که در حال حاضر به‌عنوان ضرورت حیاتی برای راهگشایی و رهبری مبارزات زنان ستمکش در مقابل جنبش کمونیستی قرار دارد این است که با کدامین رویکرد و متدولوژی علمی یا غیرعملی، ماتریالیسم دیالکتیک یا ماتریالیسم مکانیکی (متافیزیکی) می‌توان به مسئله زن پاسخ صحیح و اساسی داد.

فرجام تبعیت از رویکرد و متدولوژی که ریشه در ماتریالیسم متافیزیکی دارد، این است که خیزش خودجوش توده‌های فرودست و از جمله زنان تحت ستم و استثمار را به زیر پر وبال دیدگاه و رهبری بورژوازی هدایت می‌نماید. در صورتی که رویکرد ماتریالیسم دیالکتیک پویا تلاش می‌کند که با تئوری انقلابی و سازمان‌دهی تشکیلاتی نقشه‌مند بر مبنای چه باید کرد لنین مبارزات فرودستان مزدبگیر و نیز مبارزات زنان را به‌طور ظفرمند رهبری نماید. به عبارت دیگر اگر ما با جهت‌گیری استراتژیکی علم کمونیسم مبارزات را رهبری نکنیم نمی‌توانیم به همان مبارزات خودجوش جهت‌گیری انقلابی دهیم و در نهایت خود به دنباله‌روی از آن کشیده می‌شویم. در این صورت است که دیگر از رهبری کمونیستی مبارزات فرودستان به‌طور کلی و زنان ستمکش خبری نخواهد بود و در بهترین حالت به نظاره‌گری بی‌تأثیر و غیر مؤثر که نمی‌تواند تغییری بنیادین برای رهایی کامل و قطعی زن ایجاد کند، تبدیل می‌شویم.

در شرایط کنونی عناصر مختلف تشکیل‌دهنده و متناسب به جنبش کمونیستی با توجه به شیوه مبارزه علنی زنان در مخالفت با حجاب اجباری در دل دشمن بی‌رحم جانی ستمکار و میدان اصلی نبرد طبقاتی به یک معنای واقعی تلاش دارند تا دیدگاه و راهکار خود را برای اینکه در ۸ مارس برابر با ۱۸ اسفند ۱۳۹۶ چه باید کرد، بیان کنند. به عبارت دیگر کلیه دیدگاه‌های منبعث از منافع طبقاتی مختلف از جمله عناصر مختلف (و متضاد!) تشکیل دهند جنبش کمونیستی ایران و نیز مدعیان کمونیست در مقابل یک واقعیت عینی یعنی حرکت متضاد در آوردن روسری (حجاب اجباری) و قرار دادن روسری سفیدرنگ بر سر چوب ایستاده بر سکویی، از سوی زنان مختلف (با منافع و جهت‌گیری‌های طبقاتی متفاوت) در خیابان‌ها و معابر عمومی، قرار گرفته‌اند.

برخی از عناصر و رفقای منتسب به جنبش کمونیستی بدون توجه به نقد تاریخی نقش و رویکرد جنبش کمونیستی در برخورد به مسئله حجاب اجباری که میلیون‌ها زن به‌طور خودجوش در مخالف بافرمان خمینی به خیابان آمدند امروزه در برخورد به آنچه "دختران خیابان انقلاب" موسم گشته از "اتحاد چپ" برای سازمان دادن روز زن با همان رویکرد ناصحیح سنتی جنبش کمونیستی در ۸ مارس ۱۳۵۷ صحبت به میان آورده‌اند. از جمله چه باید کردهایی ارائه‌شده به مناسبت روز جهانی زن دیدگاهی است با کلی‌گویی‌های رایج پوپولیستی در جنبش کمونیستی با اتکا یک واژه گل‌وگشاد "چپ" فراخوان چه باید کرد خویش را برای "تظاهرات علیه حجاب اجباری با اراده نیروی چپ، در اتحاد و در ادامه با قیام گرسنگان دی." داده است.

اتحاد نیروهای تشکیل‌دهنده جنبش کمونیستی (یا آنچه از آن به‌طور غیرعلمی "چپ" یادشده است) برای روز جهانی زن البته نیت و امر خوب است که دهه‌هاست به یکی از چالش‌های پیشروی آن تبدیل گشته است. اما بر مبنای شواهد تاریخی ظرف حداقل ۳۰ سال گذشته هیچ نیت خوبی نتوانسته است اختلافات واقعی بین دیدگاه‌های متضادی که در جنبش کمونیستی وجود دارد (علیرغم آنکه همه اجزاء چنین جنبشی به سنتز نوینی از علم تاریخی کمونیسم مسلح نشده است! و همه سوای مدعیان کمونیست) را با مرزبندی تفاوت‌ها بین خویش و اتحاد بر سر اصول و پرنسپ‌های اساسی علم کمونیسم حل نماید. یک اتحاد واقعی کمونیستی حتی حول مسئله مشخصی همچون مسئله زن فقط با ترک سنگ‌رهای است که به‌طور دگم از سوی همه اجزاء تشکل دهنده جنبش کمونیستی و به خاطر دستیابی به منافع آنی و به‌ویژه و مهم‌تر منافع درازمدت پرولتاریای انقلابی بنا گشته است، قابل حصول می‌باشد.

سؤال اساسی پیش‌اروی آن بخش از جنبش کمونیستی که با تکیه بر رویکردی غیرعلمی اصول دگمی را راهنمای تئوری خویش ساخته‌اند، این است: اگر قرار بود با اتکا به حفظ همان سنگ‌رهای که بر اصول دگم من‌درآوردی رایج گذشته و تکرار مکررات قبلی به

پیشگام آینده تبدیل شوید چرا تاکنون نه تنها هیچ‌گونه پیشرفت محسوس و مثبتی در جهت ارتقاء و اعتلای جنبش کمونیستی از سوی شما صورت نگرفته است(؟)، بلکه تحت تأثیر چنین رویکرد غیرعلمیست که جنبش بیمار کمونیستی همچنان در حالت کُما به سر می‌برد؛ و دریغ از ارثی یک جمع‌بندی علمی از کمبودها و دستاوردهایتان که تنها بر اساس رویکرد ماتریالیسم دیالکتیک حاصل خواهد شد و نه ماتریالیسم مکانیکی(متافیزیکی)! و بر این اساس در آینده نیز تا زمانی که درب (خط سیاسی) تشکیلاتی‌تان بر همین پاشنه بچرخد، پیشروی از سوی شما قابل حصول نخواهد بود و به بقایا و پس‌مانده گذشته تبدیل می‌شوید!

تا زمانی که یک گسست قطعی از رویکرد ماتریالیسم مکانیک در برخورد به مسئله رهایی زنان صورت نگیرد و به رویکرد علمی ماتریالیسم دیالکتیک مسلح نشده‌اید، شما نمی‌توانید به رهایی کامل زنان خدمت کنید.

دیدگاهی با ادعای کمونیست(در اصل ضد زن و در حرف مدعی مبارزه برای رفع ستم بر زن) وجود دارد که هیچ‌گونه نقدی به رویکرد ضد زن خویش ندارند و خواهان ادامه همان رویکرد در نشنیدن صدای زنانی که مخالف با فرمان حجاب اجباری خمینی در سال ۱۳۵۷ تاکنون هستند و با تکرار همان اشتباه "اتحاد همه باهمی" امروز نیز در تلاش برای مقابله با حرکت زنانی هستند که از دید آنان و برخی از رفقای عزیزمان صدای فرودستان را به "حاشیه برده است" و در حال حاضر همان "چپ" با همان رویکرد باید در تقابل با این‌گونه اعتراض زنان که گویا به‌زعم این دیدگاه مبارزات فرودستان را به حاشیه برده است، زنان باید فعلاً از خواست خویش صرف‌نظر کنند و در جبهه فرودستان(که از دید بسیاری از رفقا حتماً مرد کارگر است!) دنباله‌روی کنند. طبق چنین دیدگاهی زنان باید تا بنا شدن جامعه‌ی سوسیالیستی که به آزادی زنان منجر می‌شود در پشت مردان فرودست به خط شوند! این دیدگاه بدون در نظر گرفتن واقعیت عینی(حقیقت عینی)، بدون اینکه سنتز نوین

آگاهانه‌ای از سمت‌وسوی مبارزات زنان بکند، با اراده‌گرایی و رویکردی دگم و غیرعلمی راهکار خویش را برای روز جهانی زن در امسال ارائه داده است و می‌دهد. این دیدگاه هیچ درک علمی از ضرورت‌های پیشاروی جنبش کمونیستی ندارد و با یک‌جانبه‌نگری فکر می‌کند همه‌ی زنانی که از اوایل دی‌ماه بر بالای سکو حجاب از سر برداشتند با پروژه "آزادی‌های یواشکی" و "چهارشنبه‌های سفید" مسیح‌علی‌نژاد ارتباط دارند و با یک رویکرد چپ‌روانه و اراده‌گرایانه اعلام نموده که همه "چپ" باید با این پروژه مقابله کند و زنان را "به زیر رهبری چپ" به خط کند!

چنین دیدگاهی از این درک عاجزند که همه‌ی زنانی که به حجاب اجباری اعتراض کردند و دستگیر شدند ارتباطی با مسیح‌علی‌نژاد و پروژه چهارشنبه‌های سفید ندارند!

رفقا صداقت انقلابی مرتبط با اخلاق کمونیستی برای خدمت به فرودستان گرسنه به ما حکم و یادآوری برجسته‌ای می‌کند که با زیر ذره‌بین گذاشتن پراتیک و تئوری‌مان واقعیت را همان‌گونه که هست منعکس کنیم به این صورت که: جنبش زنان و مبارزاتش با جنبش کمونیستی به خاطر اینکه تلاش پیگیر فزاینده‌ای برای تشکل دهی توده‌ها و زنان تحت ستم و استثمار ظرف ۳۰ سال گذشته نکرده است، هم به لحاظ تشکیلاتی و همچنین از لحاظ تأثیر تئوریک بر آن بدون ارتباط است و نتوانسته است در این زمینه تشکل دهی نماید! و بخش زیادی از مدعیان کمونیست و حتی کمونیست‌های انقلابی با رویکرد ناصحیح خود را در بستر راهکارهایی قرار داده‌اند که فرجامش به بیراهه کشاندن مبارزات و به هدر رفتن نیروی خویش بوده است.

و اگر جنبش انقلابی کمونیستی می‌خواهد در هر زمینه مشخص و از جمله مبارزات زنان حقیقت را کشف کند نیاز دارد با رویکرد علمی ماتریالیسم دیالکتیک عمیقاً همه جوانب این مسئله را در نظر بگیرد و در عین حال که از چپ‌روی‌های مردسالارانه نهادینه‌شده در جنبش

کمونیستی که نقطه عطف تاریخش به ندیدن مبارزات به حق زنان در مخالفت با فرمان حجاب اجباری خمینی در سال ۱۳۵۷ بازمی‌گردد، پرهیز کند از سوی دیگر نیاز دارد از راستروی رفرمیستی (اصلاح‌طلبانه) در حمایت از مبارزات به حق زنان بپرهیزد.

نفی حمایت از مبارزات خودجوش زنان مبارزی (سواى "مبارزه" آن دسته از زنانی که با پروژه‌های متعلق به دنیای کهن مانند "آزادی‌های یواشکی" و چهارشنبه‌های سفید همسویند) که در خیابان علیه حجاب اجباری به عنوان نماد ستم بر زن نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی قد علم کرده‌اند به معنای واقعی و در عمیق‌ترین سطحش بازگشت به همان رویکرد راست روانه جنبش کمونیستی سال ۱۳۵۷ است. جنبش کمونیستی ایران در آن زمان از این شعار "انقلاب نکردیم که به عقب برگردیم" به حق زنان در مخالفت با فرمان حجاب اجباری دشمن طبقاتی پشتیبانی نکرد، و نه تنها در کنار زنان قرار نگرفت بلکه با کم‌بهایی دادن به این حرکت زنان از رهبری کمونیستی مبارزاتشان شانه خالی کرد؛ زنان مبارز شورشگر را در این مبارزه علیه دشمن تنها گذاشت و دست دشمن را برای ۴۰ سال ستمگری، سرکوب روزانه مردسالاری دشمن باز گذاشت.

کمونیست‌های انقلابی که به ضرورت سرنگونی نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی رسیده‌اند، اگر واقعا می‌خواهند پیشگام آینده باشند هیچ گزینه دیگری در مقابلشان نیست مگر آنکه یک گسست قطعی رادیکال از دیدگاه مردسالارانه ضد زن نهادینه‌شده در خویش بنمایند. جنبش کمونیستی انقلابی ایران نیاز دارد گذشته خویش را که یک گرایش راست ضد زن بر آن غالب بوده و هست در برخورد به مسئله رهایی واقعی زنان و برای پرهیز از پس‌مانده گذشته شدنش قطب نمای خویش قرار دهد. جنبش کمونیستی ایران برای آنکه پیشگام انقلابی آینده مبارزه علیه دشمن طبقاتی طبقه سرمایه‌داران در حکومت باشد به یک‌خانه تکانی از میان گرایش‌های ناصحیح و غیرعلمی حاکم بر آن از جمله رویکرد و برخوردش به مسئله رهایی زن که خودنمایی برجسته‌ای می‌کند نیاز ضروری دارد. آیا

جنبش کمونیستی به آن درجه رشد و بلوغ در اندیشه مارکسیسمی رسیده است که به رویکرد پند گرفتن از اشتباهات گذشته برای اجتناب از اشتباهات آینده، خود را مسلح سازد؟!!

اگر واقعا کمونیست انقلابی هستیم و خواهان شکستن و پاره کردن همه زنجیرهای ستم، استثمار و اختلافات طبقاتی به جز یکی از آنها باشیم، و برای شکستن زنجیر اسارت و سرکوب زنان که بخشی لاینفک از سوخت و ساز نظام سرمایه حاکم بر ایران و جهان است، مبارزه پیگیر و دائم نکرد. نمی‌توان در خارج از مبارزات زنان شورشگر و مبارز(سوی پروژه‌های متعلق به دنیای کهن همسو مانند "آزادی‌های یواشکی" و چهارشنبه‌های سفید) همسویند قرار گرفت و توقع داشت آنها باید به زیر رهبری ما بیایند تا در خدمت به انقلاب گرسنگان قشر تحتانی طبقه کارگر قرار گیرند! (نقل به معنی از دیدگاهی منتسب به جنبش کمونیستی). این رویکرد دنباله روانه و گرایش راست است که هدف نهایی کمونیسم را به فراموشی سپرده است.

تمامی حقایق به انقلاب پرولتری کمونیستی برای سرنگونی نظام سرمایه‌داری خدمت می‌کند.

ما باید روی این مسئله با رویکرد علم کمونیسم انقلابی زوم کنیم، یعنی برای افشای ماهیت این نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی که یکی از پاشنه آشیلش فرهنگ مردسالاری و تحقیر زنان است.

به طرق مختلف و مخصوصاً برای مردان، طرح و برخورد به مسئله زن ارتباط ناگسستنی دارد باینکه آیا شما به دنبال برانداختن(الغای) کامل یا حفظ مالکیت خصوصی موجود و روابط اجتماعی و ایدئولوژی مرتبط که زنان را به برده‌ای مطیع تبدیل می‌کنند و یا اینکه فقط خواهان الغای بخشی(یک‌کمی) از آنها هستید، یک سنگ محک(معیار) و سؤال اساسی

در میان خود ستم‌کشان است. مرزبندی روشن و مشخص بین اعتقاد راسخ و عدم اعتقاد به درهم شکستن زنجیر ستم بر زنان را می‌توان به این صورت بیان کرد که:

این مرزبندی است بین مبارزه برای پایان دادن به تمام ستم و استثمار، و تلاش برای پایان دادن به تقسیم جامعه به طبقات، و در تجزیه و تحلیل نهایی ارتباط دارد با اینکه در این مبارزه شرکت باید نمود یا نه. شق سوم نمی‌تواند وجود داشته باشد.

جنبش کمونیستی در کلیه زمینه‌ها به‌ویژه رویکردش به مسئله زن به یک‌خانه تکانی نیاز مبرم دارد.

اگر خانه خود را دائماً تمیز نکنیم، گردوخاک انباشته خواهد شد؛ و اگر فقط به این اکتفا کنیم که گردوخاک را به زیر گوشه فرش بروبیم، مانع از تأثیر فاسد‌کنندگی میکروب‌ها نمی‌گردد. بنابراین حرکت دائم ما برای پیشگامی و نهراسیدن از انتقاد و انتقاد از خود تنها سلاح مؤثر برای سرایت نکردن گردوخاک و میکروب‌های سیاسی است. میکروب‌های سیاسی که بنا به عادت در ما رشد کرده‌اند و مانع از شفا و سلامتی جنبش کمونیستی ظرف ۳۰ سال گذشته شده است.

سؤال اساسی که در مقابل ما قرار دارد این است که:

آیا در آستانه روز جهانی زن با پند گرفتن از اشتباهات گذشته برای اجتناب از اشتباهات آینده، کمونیست‌های انقلابی حاضرند با یک رویکرد علمی به مسئله زنان به جنبش کمونیستی خدمت نمایند؟

این چالشی ضروری در مقابل همه‌ی کمونیست‌های انقلابی وفادار به علم کمونیست است. و باید دید امسال کمونیست‌های انقلابی در این مورد چه خواهند کرد.

ستم بر زنان "عادی" یا "طبیعی" نیست: جز لایتنجری و لاینفک از تقسیم جامعه به استثمار کننده و استثمارشونده است در نظام سرمایه داری-امپریالیسم کنونی تنیده، دائمی و "جاودانه" شده و ادامه پیدا کرده است.

زنان فاحشه نیستند، کیسه‌بوکس، مفعول در روابط جنسی و ماشین تولید نوزاد نیستند. برخلاف احادیث و آیه‌های ارتجاعی کتب آسمانی که مرتباً در گوش بشریت زمزمه می‌شوند، زنان "مخلوقات اهریمنی و شیطانی" نیستند.

زنان انسان کامل‌اند!

برای آزادی زنان در ایران و در سرتاسر جهان مبارزه کنیم!
 زنجیرها را بشکنیم! خشم زنان به‌عنوان یک نیروی توانا برای انقلاب را رها سازیم!
 رهایی کامل زنان از طریق انقلاب کمونیستی دست‌یافتنی است.
 سرنگونی نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی هم ممکن و هم ضروری است!
 پیش‌به‌سوی ایجاد حزب کمونیست انقلابی ایران!
 زنده‌باد انقلاب کمونیستی.

برهان عظیمی

دوشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۹۶



#نه به حجاب اجباری

#نه به توسری یا روسری

و این راه تا رهایی کامل زنان ادامه دارد....

زنان فاحشه نیستند، کیسه بوکس، مفعول در روابط جنسی و ماشین تولید نوزاد نیستند.

بر خلاف احادیث و آیه های ارتجاعی کتب آسمانی که مرتبا در گوش ما زمزمه می شود، زنان "مخلوقات اهریمنی و شیطانی" نیستند.

زنان انسان کامل اند!

برای آزادی زنان در ایران و در سراسر جهان مبارزه کنیم!

زنجیرها را بشکنیم! خشم زنان به عنوان یک نیروی توانا برای انقلاب را رها کنیم!

اگر میلیونها نفر از زنان تصمیم بگیرند که حجاب اجباری را رعایت نکنند حکومت ضد زن جمهوری اسلامی هیچ غلطی نمی تواند بکند!



زنان:

از این به بعد من زیر بار قوانینی که قابل تغییر نیستند نمی روم!
و من محکم روی پای خود ایستاده و قوانین ضدزنی که قابل پذیرش نیستند را با اتکا به خود تغییر میدهم!

نه به حجاب اجباری

نه به اسارت و برده‌گی زنان

نه به جمهوری اسلامی

برای آزادی زنان در ایران و در سراسر جهان مبارزه کنیم!

زنجیرها را بشکنیم! خشم زنان به عنوان یک نیروی توانا برای انقلاب را رها کنیم!

سرنگونی نظام سرمایه‌داری توتالیتریت‌های مستبد مذهبی جمهوری اسلامی هم ممکن و هم ضروری است!

انقلاب و نه چیزی کمتر!